



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۰

### زمینه‌های تفکر اقتصادی تعارض ادله از منظر مشاهیر فقها و اصولیین متأخر

مهدیه عباچی<sup>۱</sup>، غلام حسن دلاور<sup>۲\*</sup>، محسن رزمی<sup>۳</sup>

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

#### اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۵-۱۳۶

#### سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

#### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از علومی که برای کمک به فهم مسائل فقهی اهمیت پیدا کرده است و به‌طور خاص کمک به شفافیت احادیث و ظاهر شدن کلام متکلم می‌کند، بحث تعادل و ترجیح است و هدف ما فهم دقیق مراد متکلم احادیث است. و تأثیر آن بر اقتصاد است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** ملاک در تعارض، تکاذب دلیلین در تشریح است، بدین معنا که یکی از دو دلیل اجمالاً از شارع تقنین نشده است لذا ملاک عمل اقوی الدلالتین است. در تعارض ابتدا از طریق جمع عرفی عمل می‌نماییم و اگر این امکان نبود، هریک از دلیلین که راجح باشد اخذ می‌شود؛ لیکن در تراحم دو دلیل داریم که هر دو از مصدر تشریح گذشته‌اند راه‌حل عمل به اقوی الملاکین است و در صورت تساوی، ملاک تخییر است. و ملاکات عرفی و اجتماعی مهم است.

**نتیجه‌گیری:** حکم دو حدیث و روایت متعارض که از همه جهات متعادل هستند و هیچگونه مرجح و مزیتی برای دیگری وجود نداشته باشد. از نظر عقل تساقط است از جهت روایات، احتیاط استنباط شد که در واقع احتیاط از جهت عمل، به تساقط نزدیک است و (عقل و شرع) هر دو به نتیجه‌ای واحد رسیده همچنین زمانی که متعارضین متراجحین می‌باشند. با ترجیح آن مرجحات، مشکل تعارض از بین می‌رود. راه دیگر جمع عرفی میان دو دلیل است. و ملاکات عرفی و اجتماعی مهم است. فهم دقیق مراد متکلم در اقتصاد اثر جدی دارد.

#### واژگان کلیدی:

علم اصول، تعارض، تراحم، تعادل، ترجیح.

#### نویسنده مسوول:

غلام حسن دلاور

آدرس پستی: ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09155089570

کد ارکید:

0000-0002-6240-0101

پست الکترونیک:

gholamhasandelavar.87@gmail.com

**مقدمه**

تعال و تراجیح و به عبارت دیگر تعارض و تراحم ادله، یک بحث مهم در اصول فقه شیعه است که موارد کاربرد فراوانی در خود جای داده است. زمانی اصطلاحاً تعادل حاصل می‌شود که دو دلیل با هم مساوی باشند و تراجیح زمانی است که در کنار یکی از دو دلیل مرجحی یافت می‌شود که بتوان به کمک آن، آن دلیل را بر دیگری ترجیح داد. این مطلب ضامن اجرای صحیح احکامی است که از روایات و احادیث بدست آمده است، و از زمینه‌های تفکر صرفه‌جویی و اقتصاد در جامعه است

ملاک در تعارض، تکاذب دلیلین در تشریح است، بدین معنا که یکی از دو دلیل اجمالاً و به هر جهت از مصدر شارع تقنین نشده است و لذا ملاک عمل اقوی الدلالتین است و مرجحات دلالی و سندی و دیگر مرجحات. در تعارض ابتدا از طریق جمع عرفی عمل می‌نماییم و اگر این امکان نبود، هریک از دلیلین که راجح باشد اخذ و آن دیگری طرح می‌شود و در صورت عدم ارجحیت یکی بر آن دیگری قاعده تخییر یا تساقط اعمال می‌شود؛ لیکن در تراحم دو دلیل داریم که هر دو از مصدر تشریح گذشته‌اند و در مقام امتثال مشکل پیش آمده است، شبیه اجتماع امر و نهی که راه حل عمل به اقوی الملاکین است و در صورت تساوی، ملاک اذن تخییر است.

روایت نقش بسیار مهمی برای استنباط احکام و تعیین حقوق و تکالیف انسان در جامعه دارند حدیث معصومان اگر از روشنی کافی برخوردار باشند می‌توانند ارائه طریق کنند و باعث تحقق

اهداف نظام حقوقی و اقتصادی جامعه اسلامی شوند.

اما اگر حدیث و روایات دچار تعار و عیوبی باشند نمی‌توانند مجتهد را در استنباط احکام یاری کنند.

**پیشینه بحث تعارض**

مقاله انقلاب نسبت و اعتبارسنجی آن در رفع تعارض ادله نوشته سعیده لطیفی و همکاران مجله فقه و اصول تابستان ۱۳۹۸ و مقاله تعارض ادله و نقش اندر تفسیر با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی نوشته حسن صادقی مجله معرفت ۱۳۹۳

در این باب مطالب زیاد نگاشته شده لکن محقق در این پژوهش سعی نموده است که مضامین در نظرات علماء را گردآوری نموده و نظر صواب را انتخاب کند سوال اصلی در تحقیق این است که اصل اولیه حل تعارض و تراحم از نگاه اصولین و فقها چیست؟ فرضیه ما بدین صورت است که اصل اولی در صورت امکان جمع است.

**مواد و روش‌ها**

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها**

ملاک در تعارض، تکاذب دلیلین در تشریح است، بدین معنا که یکی از دو دلیل اجمالاً از شارع تقنین نشده است لذا ملاک عمل اقوی الدلالتین است. در

بصورت تناقض یا تضاد در دلالت و مقام ظهور و اثبات تعریف کرده‌اند.

## ۲- اقسام تعارض

تعارض در دو وجه صورت می‌گیرد. یکی تناقض و دیگری تضاد است که تحت عنوان تعارض ذاتی قرار می‌گیرند. پس تعارض به دو قسم تعارض ذاتی و تعارض عرضی تقسیم می‌شود.

### ۱-۱- تعارض ذاتی

تعارض از جهت تناقض (مشکینی، ۱۳۷۱، ۹۱): و آن عبارت است از اختلاف بین دو دلیل به نحوی که صدق یکی از آن دو مستلزم کذب دیگری باشد. یعنی از دو دلیل متعارض متناقض، بطور قطع یکی صادق و دیگری کاذب است. تعارض از جهت تضاد: در یک دلیل آمده است یجب اکرام زید و در دیگری آمده یحرم اکرام زید.

### ۲-۲- تعارض عرضی

به واسطه دلیل خارجی بدین معنا است که تعارض دو دلیل به واسطه دلیلی خارج از آن دو باشد.

### ۳- شرایط تعارض

الف. نباید دو دلیل متعارض و یا یکی از آنها قطعی باشد زیرا اگر دو دلیل متعارض، یکی قطعی و دیگری ظنی است در اینجا دیگر تعارض وجود ندارد زیرا آن دلیل قطعی را می‌گیریم و به آن عمل می‌کنیم و دلیل دیگر را که ظنی است کنار می‌گذاریم (خوئی، ۱۴۱۳، ۳۴۶) و اگر هر دو قطعی

تعارض ابتدا از طریق جمع عرفی عمل می‌نماییم و اگر این امکان نبود، هر یک از دلایل که راجح باشد اخذ می‌شود؛ لیکن در تراحم دو دلیل داریم که هر دو از مصدر تشریح گذشته‌اند راه حل عمل به اقوی الملائکین است و در صورت تساوی، ملاک تخییر است.

## بحث

### ۱- مفهوم تعارض

تعارض از حیث لغت از عرض گرفته شده و در کتب لغت برای آن چندین معنا ذکر کرده‌اند (معلوف، ۱۳۸۰، ۴۹۷ الی ۴۹۸):

\* آشکار کردن و ظاهر نمودن، ظاهر شدن، اظهار وجود کردن

\* جنون، ابر، کوه، ارتش و تعداد زیادی ملخ

\* طلب کاری با ادب و خوش زبانی

\* مقابل طول و معنای وسعت

همگی معنای العرض را می‌رسانند و معنای مورد نظر همان آشکار شدن و اظهار وجود کردن است.

و همچنین از نظر ادبی، تعارض باب تفاعل است و معمولاً تفاعل، معنای مشارکت را می‌رساند یعنی

دو یا چند چیز در انجام عمل مورد نظر شریک‌اند و در اینجا نیز دو یا چند دلیل می‌خواهند اظهار

وجود کنند و مانع ظاهر شدن دیگری گردند. و اما

از جهت اصطلاحی تعارض عبارت است از معارضه و منافات بین دو دلیل یا چند دلیل است به گونه‌ای

که مکلف در عمل و چگونگی جمع بین آنها دچار سرگردانی شود (فیض، ۱۳۹۵، ۱۹۶) و صاحب

کفایه، تعارض را منافات میان دو دلیل یا چند دلیل

باشند بدین معنا که اگر هر یک از آن دو دلیل به تنهایی بیان می‌شد و معارض نداشت حجیت آن بطور قطع، فعلیت پیدا می‌کرد و واجب الاجراء می‌شد لکن دارا بودن شرایط حجیت در حالت تعارض، حجیت بالقوه است نه چیز دیگر (خراسانی، ۱۳۲۱، ۲۳۹).

#### ۴- مفهوم تزاحم

از حیث اصطلاح، تزاحم عبارت است از دو حکم (قانون) هرگاه دو فعلیت داشته و تصادفاً بر عهده مکلف قرار گرفته باشند و امکان نداشته باشد که مکلف هر دو را با هم امثال کند (معلوف، ۱۳۸۰، ۲۶۵).

#### ۴-۱- تقسیمات تزاحم

الف. تزاحم، به این جهت است که بطور اتفاقی دو حکم بر یک چیز تعلق گرفته باشند مانند اجتماع امر و نهی (فیض، ۱۳۹۵، ۱۹۴).

ب. تزاحم میان دو دلیل بطوری که هر دو واجب باشند دو امر که انجام آنها در یک زمان بر مکلف واجب باشد بطوری که مکلف در امثال آنها، در حیرت باشد (مشکینی، ۱۳۷۱، ۸۸).

ج. تزاحم میان مقدمه و ذی المقدمه یک چیز (مشکینی، ۱۳۷۱، ۸۸) و این تزاحم در آنجایی محقق است که حرام، مقدمه واجب گردد و یا برعکس. واجب مستلزم حرام شود.

باشند در اینجا نیز تعارض پیش نمی‌آید زیرا این امر یعنی قطعی بودن دو دلیل، محال است زیرا این دو دلیل متعارض یا از جهت تناقض با هم تعارض دارند و یا از حیث تضاد است و در اینجا اجتماع نقیضین یا اجتماع ضدین لازم می‌آید که هر دو آنها محال است. پس دو دلیل متعارض باید گمان‌آور باشند نه یقین‌آور.

ب. باید مدلول دو دلیل با یکدیگر منافات داشته باشند. هر چند در بعضی از حالات تنافی صورت گیرد که در این صورت تکاذب میان آنها تحقق می‌یابد و تنافی در مدلول مطابقی آن دو دلیل و یا در تضمینی و یا در مدلول التزامی باشد. خلاصه آن است که این تنافی به چیزی منجر شود که جعل و تشریح آن امکان ندارد اگرچه این محال بودن به جهت امری خارج از خود مدلول‌های آن دو دلیل باشد (خراسانی، ۱۳۲۱، ۳۳۹).

ج. در حجیت هر دو دلیل متعارض ظن فعلی، متعبر نمی‌باشد به جهت اینکه مانند حصول قطع به آن دو که از محالات است در اینجا نیز ظن فعلی در حجیت متعارضین نیز غیرممکن و محال است. زیرا بطور قطع اگر ملاک حجیت یک طرف، ظن فعلی باشد ملاک طرف دیگر وهم فعلی است. اگر یک طرف قضیه ۸۰ درصدی باشد طرف دیگر ۲۰ درصدی خواهد بود و نمی‌تواند این جانب هم ۸۰ درصد باشد. بلکه می‌تواند یک دلیل از دو متعارض ملاک حجیتش، ظن فعلی باشد (محمدی، ۱۳۸۷، ۳۰۵).

د. شرطی دیگر از شروط تعارض آن است که هر کدام از دو دلیل متعارض، باید واجد شرایط حجیت

## ۵- فرق میان تعارض و تزاحم

از مفاهیم تعارض و تزاحم درمی‌یابیم تعارض غیر از تزاحم است و با هم فرق‌هایی دارند.

الف. تعارض میان دو دلیل زمانی صورت می‌گیرد که هر یک از آن دو، دلالتی التزامی بر نفی حکم دلیل دیگر در مورد اجتماع آن دو داشته باشند در این صورت با توجه به مطلب فوق دو دلیل با یکدیگر تکاذب و تنافی می‌کنند (مشکینی، ۱۳۷۱، ۲۵۲).

ب. در دو دلیل متعارض هر چند که هر دو دارای شرایط حجت هستند لکن محتوی و مفاد یکی از آن دو خلاف واقع و فاقد ملاک ثبوتی است به عبارت دیگر یکی از آن دو حکم کاذب و حکم دیگری صادق است و ممکن است هر دو کاذب باشند (خراسانی، ۱۳۲۱، ۴۴۰).

ج. فرق دیگری که میان متعارضین و متزاحمین وجود دارد این است که برای حل مشکل تعارض دو دلیل یکسری قواعدی برای ترجیح است که این ترجیح اختصاص به قوت سند یا قوت دلالت است ولی در متزاحمین قواعدی که برای حل و علاج دو دلیل متزاحم وجود دارد هیچ‌گونه ربطی به سند و دلالت ندارند (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۵).

د. در تزاحم تنها برخورد دو دلیل در محدوده دو حکم الزامی است. از قبیل اینکه دو حکم واجب با هم تزاحم کنند و یا هر دو دلیل حرام و یا اینکه یک دلیل واجب و یک دلیل حرام با هم برخورد کنند (خوئی، ۱۴۱۳، ۲۵۳). لکن تعارض تنها اختصاص به احکام الزامیه ندارد بلکه در بعضی

مواقع یک دلیل مستحب با یک دلیل مباح با هم تعارض می‌کنند.

ه. یکی از فرق‌های بین تزاحم و تعارض وجود ملاک در متزاحمین است برخلاف متعارضین که احراز ملاک در هر دو نیست. و این عمده اختلافات میان تعارض و تزاحم است و اما ذکر وجوه مشترکه و شباهت‌های میان این دو مفهوم خالی از فایده نمی‌باشد چه بسا در شناسایی بهتر این مفهوم به ما کمک نماید.

## ۶- بحث تزاحم

دو حکم شرعی الزامی که بایکدیگر متزاحم شده‌اند و مکلف هم قدرت بر امتثال و انجام هر دو ندارد از دو حالت خارج نمی‌باشد. یا آن حکم از تمام جهات شش‌گانه با هم مساوی و برابرند که اصطلاحاً به آنها متعادلین گویند و یا اینکه در آن جهات شش‌گانه با هم برابر نیستند بلکه یکی بر دیگری از چند جهت برتری دارد که به آنها متراجحین گفته می‌شود. در باب متزاحمین متعادلین هیچ‌گونه اختلافی میان علماء در حکم مزبور یعنی تخییر میان آن دو وجود ندارد و این حکم از چند وجه به اثبات رسیده است:

۱. عقل انسان نیز به تخییر میان متزاحمین متعادلین حکم می‌کند و چون این از مستقلات عقلیه است پس نیازی به حکم شرع وجود ندارد.
۲. چون تخییر در این مورد مربوط به مقام عمل است پس عقلی که به این امر حکم می‌کند عقل عملی است.

۵. هرگاه دو واجب مضیق و بدون وقت با هم برخورد کنند و انجام آنها با هم همزمان می‌شود ولی زمان اختصاص به یکی از آن دو واجب دارد و در واقع مخصوص آن واجب است و حکم دیگری سبب، موجب وجوب آن گردیده است نه زمان، در مانحن فیه تقدم از آن واجبی که وقت اختصاص به آن دارد می‌باشد (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۷).

۶. هر زمان دو واجب با هم تزامم نمایند که یکی از آنها دو مشروط به قدرت شرعیه است و دیگری از ناحیه قدرت به صورت مستفاد آمده باشد.

۷. دو واجب با یکدیگر تزامم کرده لکن یکی از نظر زمان اداء و امتثال بر دیگری مقدم است یعنی یکی از دو دلیل از جهت زمان اجراء آن بر دیگری سبقت دارد و باید اولی را انجام داد سپس دیگری. در اینجا نیز واضح و آشکار است که باید آن واجبی که از جهت زمان امتثال مقدم است جلوتر انجام و امتثال نمود (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۸؛ خوئی، ۱۴۱۳، ۲۵۸).

۸. قسم دیگر از مرجحات باب تزامم، یکسری مرجحاتی است که قاعده کلی ندارند و در یک مجموعه خاصی نمی‌تواند جای بگیرند و در واقع غیر از جهات پنجگانه فوق می‌باشند و عبارتند از (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۹):

۱. دائر بودن امر میان یک واجبی که مایه حفظ اساس اسلام است و واجب دیگری که به این حد و درجه نرسد که در این مورد که موجب حفظ اسلام می‌گردد بر آن دلیل دیگر سبقت و تقدم دارد.

۲. دوران امر است میان حفظ جان و آبرو و از دست دادن مال و ثروت است که حفظ جان و آبرو بنا بر تأکید حاکم شرع، بر حفظ مال و ثروت مقدم است.

و اما در حالت دوم هرگاه دو حکم متزامم بر یکدیگر رجحان داشته باشند یا اصطلاحاً مرجحات باب تزامم،

اکثر علما ما به شش مورد مهم اشاره فرموده‌اند که همگی آنها حاکی از این است که از نظر شارع یکی از دو دلیل متزامم اهم از دلیل دیگری است و امثال اهم بر مهم را فرض فرموده‌اند و بر حکم و دلیل دیگری برتری می‌یابد لکن سبب و علت این مطلب (اهم بودن) چندین مورد است که به ترتیب آنها را بیان می‌نمائیم.

۳. هرگاه دو واجب با همدیگر تزامم پیدا کنند و یکی از آن دو واجب دارای بدل و جانشین باشد و دیگری بدون بدل باشد یعنی یکی از دو واجب را می‌توان به جای آن یک عمل دیگری انجام داد که جبران آن گردد ولی واجب دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را بگیرد و باید همان واجب را انجام داد نه چیز دیگر (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۷).

۴. هرگاه دو حکم واجب در امثال با هم برخورد کنند و با هم تزامم پیدا کنند که یکی فوری و بدون داشتن وقت قضاء و دیگری غیرفوری است و پس از وقت اصلی، وقت بدل و جانشینی برای آن وجود دارد در این صورت آن حکم فوری بر حکم غیرفوری، مقدم و اولویت دارد و یا اینکه دو واجب یکی واجب مضیق و بدون وقت و دیگری واجب موقت و موسع است در این مورد مضیق بر واجب موسع مقدم می‌باشد و آن عمل مضیق را امتثال می‌نمایم و عمل موسع را در وقت‌های آن انجام می‌دهیم (مظفر، ۱۳۹۹، ۱۹۷).

۱۰. دائر بودن امر میان انجام رکن و ترک غیررکن در عبادات و یا انجام غیررکن و ترک رکن است.

### ۱۰-۱- قاعده اولیه

دو دلیلی که با یکدیگر متعارضند از دو حالت خارج نمی‌باشند:

الف. یا اینکه دو دلیل از تمام جهات با هم مساویند و هیچگونه رجحانی نسبت به دیگری ندارند و نمی‌توان آنها را بر دیگری ترجیح داد.

ب. و یا اینکه با هم برابر نیستند و بر یکدیگر رجحان دارند و این رجحان خواه از جهت سند باشد و خواه دلالت و یا از جهت مرجحات خارجی باشد و اما آنجایی که دو دلیل با هم برابر نباشند و بر یکدیگر برتری داشته باشند بحث آن در مرجحات باب تعارض ذکر می‌شود. ولی آنجایی که دو دلیل با هم از تمام جهات برابر و مساوی باشند در دو قاعده تحت عنوان قاعده اولیه و قاعده ثانویه و یا اخبار علاجیه بیان می‌شوند منظور از قاعده اولیه در باب متعارضین این است که حکم عقل و دلیل عقلی صرف‌نظر از ادله روایات خاصی در مورد دو متعارضی که با هم متعادل و برابر باشند.

اصولین در مبنای قاعده اولیه دو نظر اعلام نموده‌اند. مبنای طریقت و مبنای سببیت و آنها بر هر دو مبنا در این بحث وارد شده‌اند و قاعده را بر هر دو بنا بیان فرموده‌اند و اکثر آنها مانند شیخ انصاری و شیخ مظفر و... مبنا را طریقت می‌دانند نه سببیت.

### ۱۰-۲- مقتضای تعارض بنابر طریقت

اکنون پس از مشخص کردن مبنای قاعده اولیه باید بگوئیم که مقتضای قاعده بر مبنای طریقت در دو

متعارض متعادل چیست؟ در پاسخ به سوال فوق دو نظریه و دو پاسخ وجود دارد:

۱. اکثر علما مانند آخوند خراسانی، میرزای نائینی و شیخ مظفر و... طرفدار تساقط میان آن دو متعارض می‌باشند. یعنی هرگاه دو دلیل متعارض متعادل با هم پیدا شوند و همدیگر را نفی کنند در این مورد چون هیچ مرجح و امتیازی میان آنها وجود ندارد باید از هر دو دست برداشت و آنها را از فعلیت ساقط نمود.

۲. نظر دیگر اصولیون، تخییر است به این معنا که برای حل مشکل تعارض دو دلیل متعادل انتخاب یکی از دو دلیل و عمل به آن را می‌دانند و این انتخاب به صورت تخییر برای مکلف است.

### ۱۰-۳- مقتضی قاعده باب تعارض بنابر

#### سببیت

آنچه که گفته شده مبتنی بر این است که امارات را از باب طریقت حجت بدانیم نه سببیت و در واقع نیز امر همین است. لذا مبنا علم به کذب احد المتعارضین، هر دو را از حجیت ساقط می‌کند. اما اگر مقتضی قاعده، سببیت و موضوعیت حجیت بدانیم باز حکم در اینجا تساقط است در واقع هر دو دلیل را از فعلیت می‌اندازیم و حجیت را از هر دو مسلوب می‌دانیم. مشروط به اینکه حجت عبارت باشد از خصوص دلیلی که علم به کذب نداشته باشیم یعنی مستلزم شویم که مقتضی برای سببیت منحصرأ در دلیلی است که معلوم الکذب نباشد و نظر شیخ انصاری در این مسئله، عدم تساقط است و نتیجه تخییر است یا توقف. بدلیل حکم عقلی به

اینکه در ظرف ترک عمل از یکی، قدرت بر فعل دیگری هست.

#### ۱۰-۴- قاعده جمع

همانطوری که بیان شد در باب تعارض، قاعده‌ای وجود دارد که مانع تساقط دو دلیل متعارض و یا یکی از آن دو می‌گردد. چنانچه از ظاهر کلام برخی اینطور برمی‌آید که گفته‌اند الجمع مهما امکن اولی من الطرح (صدر، ۱۳۹۲، ۴۶۰). جمع میان دو دلیل متعارض تا آنجایی که ممکن است بهتر از ترک و رها کردن آنهاست. این قاعده بین علما مشهور شده است که در روایات متعارض تا زمانی که بتوانیم میان آنها تلائم و سازش برقرار کنیم به طوری که به هر دو عمل شود بهتر از آن است که آنها را از دست بدهیم و قائل به تساقط شویم و یا قائل به تخییر گردیم و حتی بهتر از آن است که به مرجحات مراجعه کنیم و یکی از آنها بر دیگری ترجیح دهیم و دیگری را رد کنیم یعنی قاعده مزبور همه جا جریان دارد بنابراین برای امتثال دو روایت متعارض باید این قاعده مهم را در نظر بگیریم.

#### ۱۰-۵- قاعده ثانویه

مقتضای قاعده اولیه نسبت به دو دلیل تعارض است و نتیجه آن این است که اذا تعارضا، تساقطا و گفته شد که در دو روایت که با هم تعارض دارند و ترجیحی نیز وجود نداشته باشد، اصل بر تساقط است. البته معیار و ملاک این قاعده حکم عقل بود و آنچه که عقل در این باره حکم می‌کند همان تساقط است. لکن روایات زیادی وجود دارد که راه‌حلهایی غیر از تساقط برای دو دلیل متعارض،

وجود دارد به جهت اینکه لسان احادیث، گوناگون است. اصحاب و علماء در این مسئله به سه گروه تقسیم شده‌اند.

۱. مشهور علما قائل به تخییر هستند از روایات آنچه که استنباط می‌شود. تخییر در پذیرش یکی از دو خبر متعارض، متعادل است.

۲. برخی از علماء معتقدند که باید در این مورد توقف نمود. در واقع فتوی ندهیم و از نظر عمل، احتیاط را مراعات کنیم یعنی کاری را انجام دهیم که در مورد فقدان نص انجام می‌دادیم. این گروه از علماء با وجود علم اجمالی به حکم تساقط، آن را رد می‌کنند و از فتوی دادن به یکی از روایات خودداری می‌نمایند و در عمل احتیاط را انجام می‌دهند.

۳. بعضی دیگر از علما می‌گویند باید دو روایت متعارض را در نظر گرفت و هر کدام از آنها که به احتیاط نزدیک‌تر است بگیریم و بر طبق آن فتوی بدهیم و به آن عمل کنیم یعنی در واقع عمل به اماره‌ای که موافق احتیاط است و به احتیاط نزدیک است.

دلیل بر تخییر، همان روایات داله بر تخییر است و همچنین دلیل بر قوم دوم یعنی عمل به اماره‌ای که موافق احتیاط است، مرفوعه علامه است که مورد رد و خدشه از طرف صاحب حدائق قرار گرفته است و دلیل بر قول سوم یعنی عمل به احتیاط ولو مخالف هر دو باشد، اخبار توقف است زیرا توقف در فتوی مستلزم احتیاط در عمل است. در ما نحن فیه باید اخبار را مورد بررسی قرار داد و آن نظریه‌ای را باید اتخاذ نمود که ترجیح دارد و اما



می‌توان از راه حکومت در جایی که یکی از آن دو ناظر به موضوع دلیل دیگر باشد و در آن محدودیت بوجود آورد و جمع کرد.

ج. تعارض و تنافی میان دو استصحاب (خراسانی، ۱۳۲۱، ۳۳۰)؛ به‌عنوان مثال اگر پیراهن نجسی با آب شسته شود و سپس در حصول طهارت آن شک کنیم در اینجا سبب شک در پاک شدن آن، شک در پاکی آب است که آیا در هنگام پیش از شستن پیراهن در آب بوده یا خیر؟ در این فرض اگر زمان شستن پیراهن در آن آب، پاک بوده پیراهن پاک شده است و اگر آن آب پاک نبوده، بالتبع پیراهن نیز بر نجاست خود باقی است. در این مورد دو استصحاب وجود دارد که یکی استصحاب مربوط به آب است. در اینجا این استصحاب اعلام می‌کند که چون قبلاً بطور یقین آب پاک بوده و اکنون شک است در اینکه آب پاک است و یا نجس؟ در این جا استصحاب می‌گوید: (لاتنقض الیقین بالشک) و به پاک بودن آب حکم می‌کند و استصحاب دیگر مربوط به پیراهن است. در این استصحاب به نجس بودن پیراهن حکم می‌شود. زیرا قبلاً پیراهن نجس بوده و در زمان لاحق، شک در نجس یا پاک بودن آن پیدا می‌کنیم. که در اینجا استصحاب که ابقاء مکان است نجس بودن پیراهن را اعلام می‌کند. در واقع این دو استصحاب در این باب، با هم تعارض دارند و همدیگر را نفی می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

در بحث تعارض و تراحم ادله در حل مشکل مورد نظر عقل و شرع هر دو به یک نتیجه که همان

موردی که در اینجا مطرح است، این است که وقتی عقل ما حکم می‌کند که دو خبر متعارض باید تساقط کنند و به چه مجوزی اصل تساقط را که حکم عقل است کنار بگذاریم و به چه دلیلی راه دیگری را انتخاب می‌کنیم (مظفر، ۱۳۹۹، ۲/۲۱۴). البته این اشکال متوجه کسانی است که قائل به تخییر هستند. در پاسخ باید گفته شود که قبول داریم که حکم عقل، تساقط است. اما اگر از راه اجماع و اخبار گوناگون بدست آوریم که شارع مقدس در مورد اخبار متعارض متعادل، راهی را برای ما تعیین کرده است باید حکم اجماع و دلالت اخبار آن راه را بپیماییم. و قائلین به تخییر می‌گویند: قبول داریم که حکم عقل، تساقط است ولی شارع به ما دستور داده که در این مورد ما مخیریم که یکی از دو خبر را اخذ نموده و بر طبق آن فتوی دهیم و بدان عمل نمائیم و این حکم جعل جدید است و نیز منافی با قاعده اولی که حکم عقل است.

### ۱۰-۶- تعارض دو دلیل فقهاتی

الف. تعارض استصحاب با برائت عقلی (ایروانی، ۱۳۸۰، ۴۷۱؛ محمدی، ۱۳۸۷، ۱۲). در صورتی که استصحاب با اصل برائت تعارض داشته باشند، تقدیم استصحاب از باب، ورود است. زیرا موضوع برائت عقلی عدم البیان است و چون استصحاب پا جلو گذارد موضوع برائت عقلی را از میان می‌برد و در واقع بر آن مقدم است.

ب. تعارض میان دو اصل عملی شرعی؛ هرگاه دو دلیل به هم تعارض داشته باشند (جناتی، ۱۳۷۲، ۳۱۰) مانند دلیل استصحاب و دلیل برائت شرعی

تساقط و احتیاط است می‌رسند. حکم دو حدیث و روایت متعارض که از همه جهات متعادل هستند از نظر عقل تساقط است و به هیچ کدام از آنها عمل نمی‌نمائیم همچنین از جهت روایات، احتیاط استنباط می‌شود که در واقع احتیاط از جهت عمل و فعل، به تساقط نزدیک است و (عقل و شرع) هر دو به نتیجه‌ای واحد و هماهنگ رسیده و در این مورد هیچگونه ابهام و شبهه‌ای، بجای نگذاشته‌اند. همچنین زمانی که دو حدیث و دلیل متعارضی وجود داشته باشند که یک سری مرجحات و امتیازاتی میان آنها وجود داشته باشد یعنی متعارضین متراجحین می‌باشند. در اینجا نیز جز در نوع و برتری مرجحات، میان فقها هیچگونه اختلافی موجود نیست و با اتخاذ دلیلی که دارای آن مرجحات است، مشکل تعارض از میان می‌رود. و مورد دیگری که می‌توان تعارض را میان دو حدیث و دلیل از بین برد، جمع میان دو دلیل است. یعنی میان دو دلیل یک نوع سازش و همبستگی ایجاد نموده و به هر دو عمل می‌کنیم. البته هر گونه جمعی را نمی‌توان بکار برد. چرا که در این صورت منجر به ایجاد مشکلاتی من جمله، هرج و مرج در نظام، عبث بودن قواعد تعارضی و... می‌گردد. پس تنها جمع عرفی با دلایل قابل استفاده می‌باشند. با این وجود در زمان برخورد با دو حدیث و دلیل متعارض و متنافی، هیچگونه

حیرت و سرگردانی باقی نمی‌ماند و با استفاده از سه قاعده مذکور و شناخت مرجحات می‌توان مشکل تعارض حدیث را برطرف نمود. اما دو حدیث متزاحم، آنجائی که دو حدیث متزاحم از تمام جهات با یکدیگر برابر باشند، تمام فقها قایل به اصل تخییر هستند. اما زمانی که دو دلیل متزاحم، متراجح باشند. با ارائه مرجحات مختلف می‌توان آن دلیلی را اتخاذ کرد که از جهت مرجح اهم از دیگری باشد. و فهم دقیق مراد متکلم و تشخیص صحیح آن باعث صرفه‌جویی در زمان و جلوگیری از اتلاف منابع و تعادل در اقتصاد و زندگی مردم می‌شود.

### ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

### سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

### تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

## منابع

- قرآن کریم.
۹. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، مترجم، انصاری قمی، محمدرضا (محقق)، نشر قم، ۱۴۱۷.
۱۰. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول مشتمل بر: بخشی از مسائل آن دو علم، چاپ بیست و چهارم، نشر موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
۱۱. لطیفی، سعیده، «انقلاب نسبت و اعتبارسنجی آن در رفع تعارض ادله»، فصلنامه فقه و اصول، شماره صد و هفدهم، ۱۳۹۸.
۱۲. محمدی، علی، شرح اصول فقه، چاپ دهم، نشر دارالفکر، ۱۳۸۷.
۱۳. مشکینی، شیخ علی، مصطلحات الاصول، نشر الهادی، ۱۳۷۱.
۱۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چاپ بیست و یکم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۹.
۱۵. معلوف، لويس، المنجد: فی اللغة، چاپ سی و هفتم، نشر ذوی القربی، ۱۳۸۰.
۱. ایروانی، شیخ علی، الاصول فی علم الاصول، قم، بنیاد انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۰.
۲. باقریان ساروی، احمد، ترجمه و شرح رسائل: تعادل و تراجیح، جلد چهارم، چاپ اول، نشر عالمه، ۱۳۹۵.
۳. جناتی، محمدابراهیم، ادوار اجتهاد، نشر مصباح القرآن ثرست، ۱۳۷۲.
۴. خراسانی، شیخ محمد کاظم بن حسین، کفایه الاصول، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۳۲۱.
۵. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، ۱۴۱۳.
۶. ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، تحریر الفصول فی شرح کفایت الاصول، نشر امام المنتظر (عج)، ۱۳۸۰.
۷. صادقی، حسن، «تعارض ادله و نقش آن در تفسیر با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه معرفت، شماره نهم، ۱۳۹۳.
۸. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول (الحلقه الاولى و الثانيه)، جلد اول، چاپ هفتم، نشر دار الصدر، ۱۳۹۲.



## The development of the conflict of arguments from the point of view of famous jurists and late usulists

Mahdiyeh Abachi<sup>1</sup>, Gholam Hasan Delavar<sup>2\*</sup>, Mohsen Razmi<sup>3</sup>

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Azad Islamic Institute, Mashhad, Iran.
2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Azad Islamic Institute, Mashhad, Iran.
3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Azad Islamic Institute, Mashhad, Iran.

### ARTICLE INFORMATION:

Article Type: Original Research

Pages: 125-136

Received: 17 Oct 2020

Edition: 13 Nov 2020

Accepted: 21 Dec 2020

Published online: 3 Apr 2021

### Keywords:

Science of Principles, Conflict, Conflict, Balance, Preferences.

### Corresponding Author:

Gholam Hasan Delavar

**Address:** Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Azad Islamic Institute, Mashhad, Iran.

**Orchid Code:**  
0000-0002-6240-0101

**Tel:** 09155089570

**Email:**  
gholamhasandelavar.87@gmail.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** One of the things that has been found to be important for understanding jurisprudence issues was and still is the science of principles, which has tips and discussions for understanding and explaining the fundamental laws of Islam and applying divine decrees, which are topics that specifically help. To the transparency of hadiths. And the appearance of the word A... makes a discussion between preferences that resolves the conflict between two or more different hadiths.

**Materials and Methods:** This research is of a theoretical type, the research method is descriptive and analytical, and the method of collecting information is library-based, and it was done by referring to documents, books and articles.

**Ethical considerations:** In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

**Findings:** The criterion in the conflict is the falsity of the reasons in the legislation, which means that one of the two reasons has not been legislated from the Shari'ah, therefore, the criterion for the action is Aqvi al-Dalatin. In the case of conflict, we first act through customary pluralism, and if this is not possible, whichever of the two reasons is preferable is taken; But we have two reasons in the conflict, both of which have passed the limit of the law. The solution is to act according to the rights of the owners, and in case of a tie, it is the criterion of choice.

**Conclusion:** The verdict of two conflicting hadiths and narrations that are balanced in all aspects and there is no preference or advantage for the other. From the point of view of reason, it is falling. From the perspective of traditions, it was deduced that caution is close to falling from the point of view of action, and both (reason and Sharia) have reached a single conclusion, also when the opposites are preferable. By preferring those preferences, the problem of conflict disappears. Another way is the common combination between two reasons.

### Cite this article as:

Abachi M, Delavar GH, Razmi M. The development of the conflict of arguments from the point of view of famous jurists and late usulists. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(1): ?????.